## مرگ دختری با حمله سگ

مرگ دختر چهار ساله کهنوجی به‌دلیل ابتلا به هاری بر اثر گازگرفتگی توسط سگ‌های بلاصاحب بوده است. طاهره بیگ‌زاده، معاون بهداشتی رئیس دانشگاه علوم پزشکی جیرفت استان کرمان در این باره به ایرناگفت: این کودک در حاشیه شهر کهنوج مورد گازگرفتگی سگ قرار گرفته و آزمایش هاری وی نیز مثبت شده است. وی با بیان اینکه کودک مصدوم، بدسرپرست و دارای پدری گرفتار اعتیاد و فرزند طلاق بوده است اظهار کرد: کودک را دیر به مراکز درمانی می‌رسانند و این تعلل موجب ابتلا به هاری و در نتیجه مرگ او می‌شود.

## قاتل، خودش را تسلیم کرد

پسری ۱۹ ساله که با سلاح سرد، پسر ۱۸ ساله‌ای را به قتل رسانده بود خود را تسلیم پلیس کرد. سرهنگ حسین اکبرپور، فرمانده انتظامی استهبان استان فارس در این‌باره به جام‌جم گفت: در پی وقوع یک فقره درگیری منجر به قتل در پارک پیرمراد استهبان، تحقیقات پلیسی آغاز شد. در جریان تحقیقات معلوم شد که پسری ۱۸ ساله هدف ضربه چاقو قرارگرفته و به قتل رسیده است. قاتل ۱۹ ساله تحت تعقیب بود که سرانجام خود را تسلیم پلیس کرد. او در تحقیقات اعتراف کرد به خاطر برخی اختلافات ناخواسته او را کشته است.

### جزئیات تلاش اسماعیل کریمی برای اطفای حریقی که جانش را گرفت

# پرواز ابدی جنگلبان فداکار از میان آتش

عاشق خاک پاک وطن و مردمت که باشی از جان عزیزت هم می‌گذری. اسماعیل کریمی ۳۹ ساله و کارمند اداره منابع‌طبیعی شهرستان کامیاران هم برای اطفای حریقی که مدتی پیش به جان کوه‌های روستای لاین در ۱۴ کیلومتری کامیاران افتاده بود، به محل حادثه رفت اما همان‌جا، هم از همسر و فرزندانش گذشت و هم از جان شیرینش تا آتش بی‌رحم را خاموش‌کند. او با سوختگی ۷۵ درصدی به بیمارستان کوثر سنندج اعزام شد، اما شدت جراحات به‌حدی بودکه طاقت نیاورد و آسمانی شد.

کریمی تا قبل از استخدام در اداره منابع‌طبیعی کامیاران، در تعاونی روستای خودشان در نجف‌آباد موچش مشغول به‌کاربود، اما عشق به طبیعت و خدمت‌رسانی به وطن و هموطناش باعث شد تا به استخدام اداره منابع طبیعی درآید. او حدود یک سال‌ونیم مشغول به‌کار بود تا زمانی‌که آتشی مهیب به جان کوه‌های روستای لاین در کامیاران افتاد و اخبار این آتش‌سوزی مهیب تا مدت‌ها تیتر رسانه‌ها را به خود اختصاص بود.

مجید آسانی، تکنیسین فوریت‌های پزشکی شهرستان کامیاران‌که در محل حادثه حضور داشت، به جام‌جم گفت:«منطقه از دو روز قبل‌تر آتش گرفته و حریق اطفا شده بود. روز بعد دوباره بخشی از شهرستان، آتش‌گرفت و طبیعت‌دوستان به محل رفته و آتش را خاموش کردند. آن لحظه فکر می‌کردند حریق اطفا شده است، اما دوباره آتشی مهیب فعال شد و سه کوه به شعاع ۲۵ کیلومتر را در برگرفت و فقط۳۰ نفر متشکل از طبیعت‌دوستان، مردم محلی و نیروهای منابع‌طبیعی مشغول اطفای حریق بودند که همین مسأله باعث شد تا فاصله زیادی از یکدیگر بگیرند و از وضعیت هم چندان اطلاعی نداشته باشند. مردم تلاش می‌کردند آتش را خاموش کنند اما نمی‌شد. آقای کریمی هم با دستگاه اطفای حریق مشغول خاموش‌کردن آتش بود غافل از این‌که آتش از پشت داشت او را احاطه می‌کرد. به‌دلیل گستردگی بیش‌از حد آتش، دود غلیظی منطقه را پوشانده و همین باعث شده بود تا کسانی که مشغول اطفای حریق بودند، متوجه نزدیک‌شدن آتش به آقای کریمی نشوند.»

تا جنگلبان فداکار متوجه خطر شود، آتش بی‌رحم تن خسته و گرگرفته او را در آغوش‌گرفت: «به گفته شاهدان عینی، ایشان ۸ تا ۱۰ دقیقه گرفتار آتش بود و به محض پیداکردن آقای کریمی از ما درخواست کمک شد. زاهد، برادر آقا اسماعیل و همکار ما بود که خود در محل حادثه حضور داشت اما هیچ تجهیزات پزشکی‌ای به همراه نداشت. او تماس گرفت و گفت برادرم گرفتار آتش است و به دادش برسید. برای نجات هر انسانی ما نهایت تلاش خود را می‌کنیم و اینجا هم پای برادر همکارمان در میان بود. با دو دستگاه آمبولانس به طرف محل حادثه حرکت کردیم اما بخشی از مسیر به حدی صعب‌العبور بود که آمبولانس‌ها را جایی پارک کرده و با تجهیزات پزشکی به سمت محل حرکت کردیم. سه کوه را در مدت کمتر از ۸ دقیقه و باسرعت تمام بالا و پایین کردیم و باوجود خاموش شدن آتش، زمین هنوز داغ بود به‌حدی که پاهای هر چهارنفرمان تاول زد. افرادی که در منطقه مشغول اطفای حریق بودند به ما گفتند از چه مناطقی عبور کنیم تا دچار سوختگی نشویم. وقتی به محل رسیدیم، دو نفر از همکاران بالای سر آقای کریمی رفتند و من هم به ارتفاع رفتم تا با ارسال GPS، بالگرد به محل اعزام شود که خدا را شکر اعزام شد و بالگرد در کمتر از چهار دقیقه خود را به محل حادثه رساند. در محل آتش‌سوزی، پد استاندارد برای فرود بالگرد وجود نداشت، باد می‌وزید و در مجموع شرایط برای فرود اصلا مناسب نبود اما خلبان با مردانگی و شجاعتی هرچه‌تمام در محل فرود آمد. آقای کریمی حداقل دچار ۷۰ تا ۷۵ درصد سوختگی درجه ۳ شده بود که پوست و گوشت و حتی اعصاب را درگیر خودش کرده بود. ایشان به بیمارستان کوثر سنندج منتقل داده شد اما متاسفانه دیروز صبح فوت شدند.

آن‌طور که آسانی می‌گوید، کریمی علاقه ویژه‌ای به ایران و هموطنانش داشت: «او هم مدرک دانشگاهی داشت و هم عاشق خدمت‌رسانی به مردم بود. من با برادرش، زاهد هم‌شیفتی بودم و گاهی که به ما سرکشی می‌کرد می‌گفت، آرزو دارم در جایی خدمت کنم که برای مردم و جامعه مفید باشم که به آرزویش هم رسید. از او همسر و دو فرزند پسر هفت ساله و سه ساله به یادگار مانده است. تمام اقشار و اصناف و سازمان‌های دولتی عزادار از دست‌دادن این مرد فداکار هستند. مقامات بالادست نیز در پی شناسایی عوامل وقوع این آتش‌سوزی و تهیه دستگاه و ابزارهای مناسب با اطفای حریق هستند که امیدواریم به آن جامه عمل پوشانده شود تا دیگر شاهد چنین وقایع تلخ و از دست‌دادن مردان شریف و وطن‌پرستی چون آقای کریمی نباشیم.»



متهم زن:

## قاتل قصد قتل من را هم داشت

زنی که مردی را برای قتل شوهرش اجیر کرده بود در تحقیقات مدعی بود قاتل می‌خواسته او را هم به قتل برساند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه هجدهم تیر امسال مردی ۶۰ ساله براثر شلیک گلوله به سرش در یکی از بوستان‌های غرب تهران به قتل رسید. جعبه وسایل تزریقات همسرش که پرستار خانگی بود در محل جنایت کشف و باعث بازداشت زن او شد. در تحقیقات بعدی معلوم شد او با شوهرش اختلاف داشته و با مردی به نام شهاب تلفنی زیاد گفت‌وگو داشته است. این در حالی بود که روزهای پایانی هفته گذشته او بازداشت شد و اعتراف کرد چون این زن با شوهرش اختلاف داشته با وعده ۲۰۰ میلیون تومان پول از سوی او اجیر شده و شوهرش را کشته اما وی فریبش داده و فقط ۲۰ میلیون تومان دستمزد پرداخته است.

اما زن مقتول منکر هرگونه همدستی با او بود که سرانجام دیروز در جریان تحقیقات در شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران اعتراف کرد و گفت: کارم پرستار خانگی و تزریقات است. ۱۰ سال قبل در درمانگاه کار می‌کردم و شهاب برای تزریقات پیش من می‌آمد. بعد از آن بود که دوستم را به او معرفی کردم و با وی ازدواج کرد و به شهرستان رفتند، تا این‌که شهاب سه ماه قبل به من زنگ زد و گفت که با زنش دچار اختلاف شده و با من درددل کرد و من هم گفتم که با شوهرم اختلاف‌های زیادی پیدا کردم. حتی قصد جدایی داشتم که طلاقم نمی‌دهد و فهمیدم مشکلات مالی زیادی دارد. از وضع زندگی‌ام خسته شده بودم و خواستم که شوهرم را بکشد. ۲۰ میلیون تومان پرداختم و قرار شد ۱۸۰ میلیون تومان پایان کار پرداخت کنم. اصلا قرار نبود این اتفاق به این زودی بیفتد.

وی افزود: آن شب تلفنی شهاب با من حرف زد که آمده تهران کار را تمام کند که دستپاچه شدم. گفتم نه کار را به روز دیگری بینداز. گفت پس بیا بوستان محله‌تان و آمپولم را بزن که به شهرستان برگردم. آنجا رفتم و خودروی تیبایم خراب شد و به شوهرم زنگ زدم که بیاید آن را تعمیر کند که موقع دور شدن از همسرم، شهاب مرا با او دید. با من دعوا کرد و فریاد زد خانه بروم. جعبه تزریقاتم همان‌جا ماند. آمدم خانه و دیدم که شوهرم نیامده و فهمیدم دارند دعوا می‌کنند. در میانه راه شهاب زنگ زد و گفت که باید هرچه سریع‌تر ۱۸۰ میلیون تومان بقیه پول را بپردازم در غیر این صورت همان‌طور که شوهرم را کشته من را هم به قتل می‌رساند. وقتی برای پیگیر ماجرای گمشدن شوهرم به کلانتری رفتم، فهمیدم او کشته شده است. موسی رضازاده، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف‌های این زن، تحقیقات از او و عامل جنایت در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

## ناکامی قاتل در خودکشی بعد از جنایت

مردی که زن سابقش را کشته بود، بعد از بازگشت از مزار او با همان چاقو که دست به جنایت زده بود می‌خواست مقابل مردم خودکشی کند که موفق نشد و زنده ماند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۹:۳۰ صبح سی‌ام تیر امسال، زنی میانسال در محله رسالت تهران با اصابت دو ضربه چاقو مقابل مغازه بوتیک محل کارش به قتل رسید. در بازبینی فیلم مداربسته ساختمان تصویر مرد میانسال که قاتل بود به دست آمد. دختر و پسر جوانی که فرزندان مقتول بودند با دیدن تصویر گفتند قاتل پدرشان است که او تحت تعقیب پلیس جنایی پایتخت قرار گرفت تا این‌که شامگاه سه‌شنبه دوم مرداد ماموران از طریق تماس مردمی باخبر شدند که مردی میانسال در یکی از محله‌های شمال تهران، چاقو به‌دست مقابل مردم ایستاده و تهدید به خودکشی می‌کند. ماموران به آنجا اعزام شدند و به گفت‌وگو با وی پرداخته، سرانجام از اقدام به خودکشی منصرفش کردند. ماموران بعد از خلع سلاح او، پی بردند تصویر و مشخصاتش با قاتل فراری مطابقت دارد که همانجا بازداشت شد.

متهم روز گذشته با انتقال به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در تحقیقات گفت: سال‌هاست که از زنم طلاق گرفته‌ام، بچه‌هایم نیز نزد او رفته و با وی زندگی می‌کردند. سر این موضوع که بچه ها با من نبودند با زن سابقم اختلاف داشتم، آخر هم این دعوا بالا گرفت و او را کشتم. می‌خواستم به خاطر عذاب وجدان این جنایت خودم را هم بکشم که نتوانستم و بازداشت شدم.

برش

### متهم: عذاب وجدان رهایم نکرد

در حاشیه جلسه تحقیقات به خبرنگار ما فرصتی دست داد تا با او گفت‌وگو کند که در ادامه می‌خوانید.

**از زندگی با مقتول بگو؟**

همسرم از اقوام پدری‌ام بود. سال‌ها در ژاپن به کارهای ساختمانی، نظافت و رستوران مشغول بودم و با پول آن خانه‌ای در تهران خریده و کسب و کاری راه انداختم. من به او علاقه داشتم و هنگامی که فهمیدم پای خواستگار دیگری در میان است، قید زندگی و کار در ژاپن را زدم و به ایران بازگشتم و با هم ازدواج کردیم که ثمره زندگی‌مان دختر و پسری جوان است.

**چی شد با هم دچار اختلاف شدید؟**

از بگو مگوهای ساده شروع شد و خانواده‌ها هم دخالت می‌کردند. کم‌کم عشق‌مان داشت تبدیل به نفرت می‌شد. حتی یک‌بار هم جدا شدیم اما به خاطر بچه‌ها دوباره ازدواج کردیم اما ۱۵ سال قبل دوباره جدا شدیم. چند سال بچه‌ها پیش من بودند و بعد نزد او رفتند. مهریه همسرم ۵۴۴ سکه بود که بخشی از آن را هم به وی پرداختم. دوست داشتم بچه‌ها نزدم بمانند اما همسر سابقم نمی‌گذاشت و از من بدگویی می‌کرد که سمتم نیایند.

**از ماجرای قتل بگو؟**

چند روز قبل از حادثه چاقو خریدم تا او را با تهدید بترسانم که با بچه‌ها حرف بزند و آنها را مجاب کند که نزد خودم برگردند. دلم برای فرزندانم تنگ شده بود. فقط می‌خواستم او را بترسانم که بچه‌ها را پیش من بفرستد و هدفم کشتن مادر بچه‌ها نبود. آن روز مقابل محل کارش رفتم که دعوایمان شد. عصبانی شدم، دو ضربه به او زدم و فرارکردم. گمان می‌کردم فقط زخمی شده اما همان شب از طریق دوستانم فهمیدم مرده است.

**بعد چه شد؟**

عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد. زمان خاکسپاری‌اش هم به بهشت‌زهرای تهران رفتم و از دور شاهد مراسم و گریه‌های فرزندانم بودم. می‌خواستم جلو بروم اما پاهایم یاری نمی‌کرد. بعد از رفتن خانواده و اقوام سر مزارش رفته و ساعت‌ها گریه کردم. تصمیم گرفتم خودم را بکشم. برای آخرین بار روز سه‌شنبه دوباره سر مزار مادر فرزندانم رفتم و گفتم حلالم کن. بعد شب بازگشتم محله پدری‌ام در شمال تهران، می‌خواستم با همان چاقو که زن سابقم را کشتم، خودم را هم مقابل مردم بکشم که نشد و دستگیر شدم.

## دعوا بر سر کیسه زباله جان پیرمرد را گرفت

مرد سالخورده که بر سر محل قراردادن کیسه زباله در مقابل خانه محل زندگی‌اش در شمال تهران با مرد همسایه‌اش درگیر بود، بعد از یک دوره بستری طولانی‌مدت در بیمارستان فوت کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه سوم مرداد امسال یکی از ماموران انتظامی در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوک مردی سالخورده در یکی از بیمارستان‌های تهران قرار داد. با دستور قضایی تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در این رابطه آغاز شد. ماموران با حضور در بیمارستان و تحقیقات اولیه متوجه شدند که این مرد ۷۲ساله از ۳۵ روز قبل به‌دلیل شدت مصدومیتی که دچار آن شده بوده، در بیمارستان از سوی خانواده‌اش بستری بوده و اکنون فوت کرده است. با مشخص‌شدن این موضوع روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. ماموران به تحقیق از خانواده‌اش پرداختند که فرزند وی در اظهاراتش گفت: پدرم و خانواده‌ام در یکی از محله‌های شمال تهران زندگی می‌کنند. او مدتی بود که برسر قرار دادن کیسه‌های زباله در مقابل ساختمان با جوانی از همسایه‌ها اختلاف و درگیری پیدا کرده بود. بارها از او خواسته بود که کیسه زباله را در این مکان نگذارد که باعث شود بهداشت ساکنان به خطر بیفتد و زباله‌گردها یا گربه آن را پاره کند اما این فرد اصلا توجهی نداشت و کیسه زباله را در مکان نامناسب می‌گذاشت و ما را به دردسر انداخته بود.

وی افزود: آخرین روز هم دوباره سر همین کیسه زباله و قراردادن آن در مقابل ساختمان با پدرم درگیر شده و او را با مشت زده و بدحال و مصدوم رها کرده بود. حتی از او شکایت کرده و در شورای حل اختلاف پیگیر پرونده بودیم. پدرم تحت درمان قرار داشت و بستری بود و سرانجام بعد از این همه مدت فوت شد. مرد همسایه را در مرگ پدرم مقصر می‌دانم و از او شکایت دارم.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به شکایت این خانواده و مشکوک‌بودن مرگ پیرمرد قرار شد که پزشکی قانونی علت تامه مرگ او را اعلام کند و همچنین تحقیقات از مرد همسایه نیز انجام گیرد.


# حوادث
INCIDENT
۱۹
پنجشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۱۹




## نگهداری قاتل تا پایان عمر در زندان

مرد میانسال که به دلیل جنون همسرش را کشت و جسدش را ۴۰ تکه کرد، با تایید جنون به نگهداری مادام‌العمر در بیمارستان محکوم شد. به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از دی ۹۸ و با گزارش قتل زنی ۵۰ ساله به بازپرس جنایی تهران آغاز شد. بر اساس گزارش کلانتری، دختر این زن در پی ناپدید شدن مادرش موضوع را به پلیس گزارش کرد. بررسی‌ها نشان داد این زن و همسرش با هم اختلاف داشتند که مرد میانسال به نام حامد دستگیر شد. حامد که از بیماری روحی و روانی رنج می‌برد در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. مرد ۵۶ ساله گفت: مدتی قبل و با مرگ پدرم، اختلاف‌های من و همسرم شروع شد. همسرم می‌گفت باید سهم‌الارثم را بگیرم اما من مخالف بودم تا این‌که ۴۵ روز قبل مرا به بیمارستان روانی برد و بستری کرد. بعد از چند روز ترخیص شدم و به خانه آمدم اما دعواهای همسرم تمامی نداشت. آخرین بار تهدید کرد دوباره مرا در بیمارستان روانی بستری می‌کند. من هم از کوره در رفتم و با دستانم خفه‌اش کردم. جسدش را به حمام بردم و با سنگ فرز ۴۰ تکه کردم. سپس تکه‌های بدن را در کیسه‌های نایلونی بسته‌بندی و حوالی گردنه قوچک رها کردم. در ادامه ماموران راهی گردنه قوچک شدند و بقایای این زن را کشف کردند. پس از بررسی سلامت روحی و روانی این مرد و تشخیص ابتلای او به جنون پرونده‌اش در شعبه دوم دادگاه کیفری تهران رسیدگی شد. در جلسه رسیدگی اولیای دم اعلام کردند با توجه به جنون متهم تابع قانون هستند. قضات هم پس از رسیدگی، حامد را به نگهداری مادام‌العمر در بیمارستان بیماران روانی محکوم کردند. همچنین به دلیل جنایت بر میت به یک دهم دیه محکوم شد تا صرف بدهی مقتول یا کار خیر شود.

## انهدام ۴ باند قماربازی آنلاین

رئیس پلیس فتای فراجا از انهدام چهار باند قمار اینترنتی با گردش مالی ۱۸۴۰ میلیارد ریال خبر داد.

سردار وحید مجید در این‌باره به سایت پلیس گفت: اشراف سایبری و پایش مستمر کارشناسان پلیس فتا روی فعالیت سایت‌های قمار، تعداد ۶۸ نفر از اجاره‌دهندگان حساب‌های بانکی به یک سایت قمار مورد شناسایی قرار گرفتند که در ادامه ۹ نفر از متهمان اصلی در یکی از استان‌های شمالی کشور بازداشت شدند. متهمان از طریق افراد واسط اقدام به اجاره حساب‌های بانکی با عنوان موضوعاتی نظیر فرار از مالیات، محدودیت‌های سقف تراکنش، فعالیت در حوزه بورس و ارزهای دیجیتال و... کرده و اطلاعات حساب‌های اجاره شده را در راستای پولشویی‌های مرتبط با سایت‌های قمار استفاده کرده بودند. از ابتدای سال جاری چهار باند قمار اینترنتی با گردش مالی بالغ بر ۱۸۴۰ میلیارد ریال منهدم و تعداد ۱۰۰ نفر از نفرات اصلی، رابطان و اجاره‌دهندگان حساب‌های بانکی به این سایت‌ها در داخل کشور نیز دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

## کشف جسد در جنگل

کشف جسد مردی در جنگل، پلیس را با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو کرد.

به گزارش روابط‌عمومی دادگاه عمومی بخش زواره، علی نهادی‌کاشانی در این‌باره گفت: خبری مبنی بر وجود جسد مردی در جنگل‌های دست‌کاشت زواره روز چهارشنبه به این دادگاه اعلام شد. با دستور قضایی ماموران به آنجا اعزام شدند و معلوم شد ماجراصحت دارد. مرگ این فرد که مجهول‌الهویه بود مشکوک بوده و تحقیقات ادامه دارد.

## کلاهبرداری به بهانه تحصیل

زنی به بهانه ثبت‌نام رشته پزشکی دانشجویان در دانشگاه ترکیه از آنها کلاهبرداری می‌کرد.

سرهنگ کارآگاه محمدعلی آدینه‌لو، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان زنجان در این‌باره به سایت پلیس گفت: در پی شکایت چند نفر از شهروندان مبنی بر کلاهبرداری توسط یک زن با وعده ثبت‌نام فرزندانشان در دانشگاه پزشکی ترکیه، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. متهم زن از شاکیان سه میلیارد تومان پول گرفته بوده که بعد از چند ماه متوجه می‌شوند که او با استفاده از عوامل خود در ترکیه این افراد را به اسم دانشگاه پزشکی در کلاس‌های آموزش زبان ثبت‌نام کرده و کلاهبردار است. در ادامه تحقیقات معلوم شد متهم زن بهمن سال گذشته از سوی پلیس ترکیه به جرم پولشویی و راه‌اندازی سایت‌های شرط‌بندی دستگیر و سپس از آن کشور اخراج و بعد از بازگشت به کشور، این جرایمش را انجام داده است. او سرانجام در یکی از شهرهای همجوار بازداشت و به جرایمش اعتراف کرد.